

گونه‌شناسی تهاجم ماهواره از منظر قرآن و حدیث

محمدحسین خوانین‌زاده*

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی^(۵)، تهران

علیرضا صفرزاده**

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی^(۶)، تهران

پریرسا عسکر سمنائی***

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱)

چکیده

رسالت رسانه به عنوان وسیله ارتباط جمعی و فرامکانی تأثیرگذاری بر فکر و اندیشه ملت‌هاست. جهان غرب که اصلی‌ترین رقیب در برابر اسلام است، با استفاده ابزاری از رسانه‌هایی مانند ماهواره به عنوان اسلحه‌ای مخفی، در صدد ضربه زدن به جامعه اسلامی و پیشبرد اهداف استعماری خویش است و از این طریق، ذهن و عقیده دیگران را برای پذیرفتن اندیشه و عقیده خویش آماده و مهیا کرده است و با استحاله فرهنگی، الگوهای خویش را جایگزین فرهنگ بومی ملت‌ها می‌کند. البته منظور از جهان غرب، جهت و موقعیت جغرافیایی نیست، بلکه منظور، تفکر و نوع رفتار استعماری و مخرب نسبت به ملت‌هاست که منشاء آن از سوی جهان غرب پایه‌ریزی شده است. هدف اصلی از این اقدامات، در سلطه خویش نگاه داشتن ملت‌ها و سروری و رهبری بر جهان است. دین مبین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، دستورالعمل‌هایی دارد که با انجام آنها و رعایت حدود الهی، می‌توان بر دسیسه‌های شیطانی پیروز گشت. غلبه بر هجمه فرهنگی غرب نیز از این موارد مستثنی نیست. این مقاله در صدد شناساندن هجمه‌های این تفکر غربی است که از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای بر پیکره ملت‌هایی وارد می‌شود که در تقابل فکری و رفتاری با آنها هستند. برای تبیین این هجمه‌ها و مصونیت از آسیب‌های ناشی از آن، به سفارش پیامبر اکرم^(ص)، به «ثقلین» جنگ زده‌ایم و به قرآن کریم و احادیث نورانی اهل بیت^(ع) متمسک شده‌ایم.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، تهاجم، رسانه، ماهواره، فرهنگ، قرآن، حدیث.

* E-mail: khavaninzadeh@atu.ac.ir

** E-mail: Hajrezwan@gmail.com (نویسنده مسئول)

*** E-mail: P.Askary.tmu@gmail.com

مقدمه

هر چیزی که در این عالم ارزش بیشتری داشته باشد، با خطرات بیشتری هم مواجه می‌شود. در امور اجتماعی نیز همین طور است، اگر پدیدهٔ ارزشمندی در اجتماع رخ دهد که تأثیری مهم در جامعه داشته باشد، دشمنان با آن به مقابله برمی‌خیزند و در صدد نابودی آن برمی‌آیند (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). جامعهٔ اسلامی که از نهاد دین شریف اسلام برخاسته است و روح آن با اندیشه‌های ناب محمدی (ص)^(۱) گره خورده، به دلیل برخورداری از ارزش‌های فطری، همواره در معرض خطرات دشمن بوده است و لازم است در حالت آماده باش قرار گیرد. علاوه بر اینکه جامعهٔ اسلامی گاهی در برابر آماج گلوله‌های بارز و ظاهری دشمن قرار می‌گیرد، امروزه دشمن از سلاح پنهان و ویرانگر دیگری برای تهدید ملت اسلامی بهره می‌گیرد و آن «استحالهٔ فرهنگی» است که در مقام عملیاتی از آن به «جنگ فرهنگی» یا «جنگ نرم» تعبیر می‌شود. حال مسئله اینست که دشمنان اسلام از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای به‌عنوان یکی از انواع رسانه، برای تغییر در فرهنگ اسلامی، چگونه دست به این تهدیدها می‌زند و جامعهٔ اسلامی به منظور مصونیت در برابر این تهدیدها، چگونه از فرمان‌های الهی در قرآن کریم و مبین آن که کلام ناب و تقریر اهل بیت معصومین (ع)^(۲) است، بهره می‌جوید؟

مفهوم‌شناسی رسانه

در حال حاضر مردم با نسل تازه‌ای از فنون ارتباطی روبه‌رو هستند. تکنیک‌هایی که نسبت به ابزارهای قدیمی ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر هستند و در عین حال، جذابیت خاصی را برای مخاطبان خود دارند. ابزارهای ارتباطی وسیله‌های مفید و در عین حال، خطرناک هستند که باید به نحوهٔ استفاده از آنها توجه کرد. می‌توان این ابزارها را به چاقویی تشبیه کرد که از یک سو، وسیله‌ای مهم و مفید برای استفاده در امور آشپزی و آشپزخانه است و از سوی دیگر، ممکن است وسیلهٔ قتل یک انسان باشد. هر وسیلهٔ ارتباط جمعی و فرامکانی را که انتقال‌دهندهٔ پیامی مهم در حوزهٔ افکار، فرهنگ‌ها، اعتقادات، سیاست‌ها و مواردی از این دست

باشد، «رسانه» گویند. امروزه وسائل مصداق این تعریف، «روزنامه‌ها، مجلات، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، لوح‌های فشرده، ویدئو و...» است.

تعریف فرهنگ و تهاجم فرهنگی

واژه «فرهنگ» در بطن گفتگوی عامیانه جامعه، به دسترنج بلندپایه ادبیات، هنر، دین، علم، ذهن و غیره گفته می‌شود، اما تعریف‌های متعددی در این باب از سوی فلاسفه و ادیبان ارائه شده است که در این مقاله برای روشن شدن مفهوم فرهنگ از تعریف یک فیلسوف اسلامی و یک ادیب ایرانی بهره جسته‌ایم. علامه جعفری در تعریف فرهنگ آورده است: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه‌های بایسته برای آن دسته از فعالیت مادی و معنوی انسان که مستند به طرز تعقل و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد. این مفهوم را محمدعلی اسلامی ندوشن چنین تعریف کرده است: فرهنگ حاصل و نتیجه کردارهای نجیبانه و تعالی‌بخش انسان است و به او امکان می‌دهد تا در عالمی برتر از عالم غریزه زندگی کند» (تقی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۰).

با اینکه علامه جعفری دیدی فلسفی به فرهنگ دارند و آقای اسلامی ندوشن از منظر ادبیات به آن نگریسته است، با نگاهی دقیق به این تعریف‌ها، نزدیکی و هم‌پوشانی آنها دیده می‌شود، چراکه تنها عبارات مترادف جای خود را به یکدیگر داده‌اند. به عنوان مثال، علامه جعفری از عبارت «تصعید شده» استفاده کرده و آقای اسلامی ندوشن از عبارت «تعالی‌بخش» بهره جسته است. در تعریف علامه «عقل سلیم» همان «مدلول کردارهای نجیبانه» در تعریف اسلامی ندوشن است. علامه تعبیر «حیات معقول تکاملی» و اسلامی ندوشن تعبیر «عالمی برتر از غریزه» را به کار برده است.

فرهنگ هر جامعه به دلیل متفاوت بودن فعالیت‌ها و هنجارهای اجتماعی خود با دیگر جوامع، خاص خود آن جامعه است و با فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. حال اگر سران یک جامعه بخواهند به هر دلیلی دست به تغییر مناسبات جامعه‌ای دیگر زنند، اولین نقشه‌ای که به ذهن ایشان می‌آید، تغییر فرهنگ آن جامعه است، چراکه استعمارگران بهترین راه نفوذ در کشورها را، نفوذ در فرهنگ آنها می‌دانند. برای تحقق این امر، آنها الگوهای مورد پسند خود را

ارزش‌های مترقی جلوه می‌دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری دیگر ملت‌ها می‌سازند تا از این طریق بی‌هیچ دغدغه‌ای از آینده منافع خود در آن کشورها مطمئن باشند. وقتی صحبت از نفوذ به فرهنگ پیش می‌آید، روشن است که با این کار در صدد وارد کردن هجمه به آن هستند. بنابراین، تغییر شناخت نسبت به ارزش‌هایی که افراد جامعه به آنها پایبندند و تبدیل در رفتار فردی و جمعی آنها به خاطر رسیدن به اهداف سودجویانه به وسیله فرهنگ دیگر را می‌توان «هجمه فرهنگی» نامید. به بیان دیگر، کارکرد فرهنگ غالب در راستای تحمیل ارزش‌های خود با استفاده از قدرت برتر فرهنگی دیگر را «تهاجم فرهنگی» گویند (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۷۱).

گونه‌شناسی تهاجم ماهواره

مسلم است که جهان غرب برای تسلط بر ممالک و نفوذ در آنها نمی‌تواند مانند دوره‌های گذشته از وسائل کشتار جمعی و ابزار نظامی استفاده کند، بلکه باید اقدام‌های جدید و نوینی در راستای نیل به اهداف خود در نظر بگیرد و زمینه اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی کشورها را فراهم می‌کند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، یکی از ابزارهای این جنگ نرم که فرهنگ ملت‌ها را نشانه گرفته، «ماهواره» است؛ ابزاری که تقریباً دارای بیشترین نفوذ فرهنگی است و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جوامع وارد می‌کند.

به طور کلی، وارد کردن هجمه فرهنگی به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: ۱- ایجاد تشکیک و تزلزل در اعتقادات (حمله به ارزش‌ها). ۲- اشاعه فرهنگ غربی (جایگزینی الگوهای غلط).

در این جنگ به اصطلاح «نرم»، غرب بعد از ایجاد تشکیک و در پی آن ایجاد تزلزل در عقاید ملت‌ها، به دنبال بی‌هویتی کردن ملت‌های مسلمان از فرهنگ ملی - مذهبی است. بدین ترتیب با ترویج فرهنگ خود، استحاله فرهنگی صورت داده، الگوهای خود را جایگزین ارزش‌های آنها می‌کند. هجمه فرهنگی ماهواره نیز از این دسته‌بندی کلی بی‌بهره نیست و برای وارد ساختن اثرهای تخریبی به وسیله ماهواره نیز به همین گونه عمل می‌شود. به عنوان مثال، برژینسکی، مشاور اسبق امنیت ملی کاخ سفید و از طراحان و هدایت‌گران پروژه

فروپاشی شوروی سابق، می‌گوید: «مانه روی قدرت سیاسی و نه روی قدرت نظامی و اقتصادی تکیه کردیم. ما از طریق فرهنگ و استفاده مؤثر از رسانه‌ها توانستیم به این هدف برسیم، رسانه‌هایی که به صورت هدفمند و متمرکز برای نفوذ به درون شوروی به راه انداخته شد» (دزفولی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

ایجاد تشکیک و تزلزل در اعتقادات

دشمن همواره سعی در ایجاد تشکیک در اذهان عمومی دارد و این کار را با هدف حمله به ارزش‌ها و القاء فرهنگ خود انجام می‌دهد. اگر عقائد و اصول در ذهن کسی متزلزل شود و دیگر به باورهای خود اطمینان نداشته باشد، آنجاست که می‌توان گفت خطرناک‌ترین تهدیدها شامل حال او می‌شود. در این یورش، مردم در سایه تبلیغات دشمن، داشته‌های خود را بی‌ارزش پنداشته، سراپا شیفته فرهنگ بیگانه می‌شوند و از ارزش‌های دینی خود کاملاً تهی می‌گردند. پس از اینکه یک فرد مسلمان از نظر فرهنگی مسخ و در گرداب استحاله غرق شد، شهادت‌طلبی، آزادی‌خواهی، ایثار و فداکاری، عدالت‌محوری، جهاد، حج ابراهیمی و امر به معروف و نهی از منکر دیگر در نظر وی رنگ و بویی نخواهد داشت (ر.ک؛ تقی‌پور، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۱).

استعمارگران برای اینکه جامعه ما را از عمل به مسائل ارزشی بومی بازدارند، یعنی از رفتاری که به نفع مستکبران نیست جلوگیری کنند، چنین دسیسه‌هایی را به کار می‌گیرند و برای اینکه اصول و ارزش‌ها ج‌دی گرفته نشود، تبلیغات سوء می‌کنند (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۸۶-۹۸).

این روش که نام تکنیک اقناع و متقاعدسازی را می‌توان روی آن گذاشت، با ایجاد تغییرهایی در عواطف و احساسات مردم، بر رفتار دینی آنها تأثیر گذاشته است و آنها را با خود همراه می‌نماید. این امر ابتدا با بهره‌گیری از «تبلیغات سوء»، علیه مفاهیم دینی و ارزش‌های اسلامی به مبارزه می‌پردازد، در نتیجه، انسان‌ها را ضعیف و عاجز نشان می‌دهد. این دستگاه با ارائه اخبار و اطلاعات متناقض و شبهه‌برانگیز که اغلب نادرست هستند، بر آن است تا در هنجارهای مذهبی تزلزل ایجاد کند، سپس دست به «ترویج خرافات و عرفان‌های دروغین و

گسترش بدعت‌ها» زده، به تخریب بنیان‌های فکری و مذهبی روی می‌آورد. در این راستا، از «تمسخر و استهزاء» گروه‌ها و حزب‌هایی که دنباله‌رو ارزش‌های اسلامی هستند، فروگذار نمی‌کند و سعی در مخدوش کردن چهرهٔ شخص اول دین، حضرت رسول اکرم (ص) و امامان (ع) و اماکن مذهبی و شعائر دین اسلام دارند. همان‌گونه که کافران صدر اسلام نیز با تبلیغات سوء، تهمت، استهزاء و اهانت به پیامبر (ص) و نسبت دادن ساحر، دروغگو و مجنون به ایشان در صدد ایجاد شک و شبهه در میان پیروان ایشان بودند تا به زعم خود بتوانند از فعالیت‌های تبلیغی ایشان جلوگیری کنند. نمونه‌ای از این‌گونه تخریب را می‌توان از آیات زیر برداشت کرد:

— ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُونَ: و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم! (ولی) هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شما ایم! ما فقط (آنها را) مسخره می‌کنیم! ﴿(البقره/۱۳).

— ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ: (اگر تو را استهزا کنند، نگران نباش؛ زیرا) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند، اما سرانجام آنچه را استهزاء می‌کردند، دامان مسخره‌کنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید) ﴿(الأنعام/۱۰ و الأنبياء/۴۱).

— ﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ: آنها تعجب کردند که پیامبر بیم‌دهنده‌ای از میان آنان به سویشان آمده است و کافران گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است! ﴿(ص/۴).

— ﴿كَذَلِكَ مَا أَتَىٰ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ: این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها به سوی قومی فرستاده نشد، مگر اینکه گفتند: او ساحر است یا دیوانه! ﴿(الذَّارِيَات/۵۲).

— ﴿...وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ: ... و می‌گویند او دیوانه است ﴿(القلم/۵۱).

— ﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ: و گفتند: «ای کسی که «ذکر» [= قرآن] بر او نازل شده، مسلماً تو دیوانه‌ای! ﴿(الحجر/۶).

به دنبال تمسخر باورها و عقاید، ماهواره در واقع، سعی در «استخفاف و از بین بردن خودباوری» در جامعه است. بدین ترتیب، جامعه مورد هجوم واقع می‌شود و رفته‌رفته باور می‌کند که در برابر دشمنان هیچ است و آنگاه افکار خود را تسلیم دشمن می‌کند و اگر خودباوری و افتخار درونی از بین برود، بیگانگان به سهولت می‌توانند بر جوامع نفوذ کنند و عقاید خود را تحمیل نمایند، همچون فرعون که قرآن کریم در جریان تسلط وی بر قوم او می‌فرماید: ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند. آنان قومی فاسق بودند! ﴿الزخرف/۵۴﴾. فرعون تا جایی پیش رفت تا بنا به فرمایش قرآن کریم، کم‌کم حسّ خدایی کرد و گفت من پروردگار شما هستم: ﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ و گفت: من پروردگار برتر شما هستم! ﴿النزعات/۲۴﴾.

نفی خودباوری به مرور زمان باعث می‌شود انسان ارزش‌هایی را که به آنها پایبند بوده، از یاد ببرد و از حزب الله به حزب شیطان برگردد و پیرو امیال پست باشد که سبب غضب خداست. بدین ترتیب، کسی که خداوند رضایت او را فراموش کند، خود را فراموش می‌کند و کسی که خود را فراموش کند، دیگر از اشرف مخلوقات بودن غافل می‌گردد و از هسته مرکزی خویش که همان فطرت الهی، توحیدی و کمال طلب است، فاصله می‌گیرد.

این حقیقت به روشنی در سخن امیر بیان، حضرت علی^(ع)، دیده می‌شود که می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنْ سَبِيلِ النَّجَاةِ وَ خَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَالْجَهَالَاتِ: هَرَكْسَ خُودِ رَا نَشْنَاخَتْ، از راه رستگاری دور گشت و در جهالت و گمراهی افتاد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۵۶). بنابراین، انسانی که به خودباوری و حفظ ارزش‌ها و قابلیت‌های انسانی پی برده باشد، هیچ‌گاه نمی‌گذارد کسی این گنج‌های گرانبه‌ای درون او را بگیرد. کار ماهواره‌های تلویزیونی همین هویت‌زدایی ملی، تاریخی و اعتقادی است. بدین ترتیب، ماهواره از آن ممالک می‌آید که به دلیل بهره‌مندی از امکانات بیشتر، سلطه بیشتری به جهانیان دارند تا ذهن نسل‌های نوپای کشورهای به زعم خود ضعیف را زیر رگبار فرهنگی بگیرد، آنها را دچار افسرگی و نوعی خودباختگی کند و با اشاعه بی‌بند و باری و خشونت و مصرف‌گرایی و تبهکاری، قوی‌ترین

مهره‌های جوامع را که جوانان هستند، سُست نماید (ر.ک؛ ستیز و تهاجم فرهنگی غرب، ۱۳۷۵: ۴۹-۵۹).

اشاعه فرهنگ غربی

معرفی تلاش‌های مذبحخانه حاکمان ماهواره

استحاله فرهنگی در جهان اسلام به صورت عملی، از مسیر الگوسازی غلط صورت می‌گیرد. آنان با شیوه‌های تبلیغی متمرکز، الگوهای عملی ناصوابی را برای تحقق اهداف خود ارائه می‌دهند و این الگوسازی از جهان غرب، همان تمدن لیبرالیستی است که در مراحل تخریب بنیان‌های فکری و عقیدتی مسلمانان، نقش بسزایی را ایفا می‌کند (ر.ک، تقی‌پور، ۱۳۸۸: ۹۵). در این راستا، شبکه‌های ماهواره‌ای در صدد همراه کردن مردم با خود هستند و به همین سبب، از تبلیغات ایجابی و سخنان و مناظره‌های مجاب‌کننده استفاده می‌نمایند و برای همسو کردن مخاطبان با خود از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. بسیاری از افرادی که به تقلید و پیروی از این شبکه‌ها پرداخته‌اند، بهانه‌ای جز هم‌رنگ شدن با جماعت را ندارند.

خداوند متعال به انسان قوه درک، اختیار و تمییز حق از باطل را اعطا و او را در گزینش راه صواب و ناصواب زندگی خود در دنیا و آخرت مختار فرموده است، همان‌گونه که در کتاب راهبر خود، قرآن، فرموده است: ﴿فَالْتَمِمْهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا: سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است * که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد * و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است﴾ (الشمس / ۸-۱۰)؛ ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا: ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!﴾ (الإنسان / ۳).

دشمن که سعی در گرفتن قدرت تعقل و تدبیر از انسان‌ها را دارد، در صدد آن است تا هر طرز فکری را به جای آداب و رسوم جایگزین نماید. اما قرآن کریم که بر مبنای نیاز روز نازل شده، تقلید چشم و گوش بسته و بدون در نظر گرفتن عقل و منطق را نکوهیده است و همگان

را به تدبیر فراخوانده است: ﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ: آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟!﴾ (المؤمنون/۶۸)؛ ﴿أَفَلَا يَتَدَّبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا: آیا آنها در قرآن تدبیر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟!﴾ (محمد/۲۴). سرویس‌های ماهواره‌ای غرب از ترفندهای گوناگونی برای تحمیل الگوهای خود بر دیگر ممالک، به‌ویژه ممالک اسلامی، استفاده می‌کند که به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

مطرب و موسیقی‌های غیراخلاقی

یکی از الگوهای منفی که رسانه‌های غربی به مسلمانان القاء می‌کنند، موسیقی است، چراکه از راحت‌ترین عوامل نفوذ جوامع غربی به ممالک اسلامی می‌باشد. علاوه بر اینکه موسیقی خود تهدیدی جدی به سلامت جامعه است، پوشش بسیار نامناسب و ضد اخلاقی خوانندگانی که در شبکه ماهواره‌ای به اجرای برنامه خود می‌پردازند، آثار مخرب زیادی را برای اقشار مختلف مردم، از قبیل نوجوانان، جوانان یا حتی میانسالان و کودکان، به دنبال دارد. از جمله این آثار مخرب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- موسیقی سلسله اعصاب انسان را خسته می‌کند و ضربان قلب، سیستم سمپاتیک و پاراسمپاتیک و فشار خون انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب، ضررهای زیادی بر روح و روان افراد می‌گذارد. ۹۸ درصد از موسیقی‌دانان به مرض‌های روانی و قلبی در گذشته‌اند که می‌تواند مؤید این مطلب باشد. بنابراین، متناقض با افکار عمومی، هرچه افراد بیشتر به موسیقی گوش کنند، خشونت و عصبیت بیشتری پیدا می‌کنند (ر.ک؛ جوهری‌زاده، بی‌تا: ۳۳-۳۴).

۲- موسیقی مطرب و تحریک‌آمیز خیال آدمی را بر می‌انگیزد و تیزبینی و واقع‌بینی عقل را زایل می‌کند. از نظر روانشناسان، موسیقی مطرب احساسات بشر را در مسیر غیرطبیعی قرار می‌دهد و خرد و اراده انسان را فلج می‌کند. امام خمینی^(ع) می‌فرماید: «از جمله چیزهایی که مغزهای جوانان را مخدر می‌کند، موسیقی است. مغز انسان هنگامی که چند وقت به موسیقی

گوش کرد، انسان را از جدیت بیرون می‌آورد و به جهانی دیگر متوجه می‌کند» (موسوی خمینی^(۶)، ۱۳۷۸، ج ۹: ۲۰۰).

۳- موسیقی مطرب موجب فساد اخلاق می‌شود و ایمان، حیا، عفت و غیرت را از دل انسان بیرون می‌برد و انسان را به سمت شهوات و فساد می‌کشاند. الفاضلی که در این گونه موسیقی‌ها مطرح می‌شود، مایهٔ بی‌عفتی و بی‌حیایی است. امام صادق^(ع) در تفسیر آیهٔ ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید ﴿(الحج/۳۰)﴾، «قول زور» را همان «غنا» معرفی کرده‌اند (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۴۹۶).

از دیگر آثار مخرب غناء و موسیقی، غافل شدن از یاد خداست. گوش‌ی که از حرام پُر شده باشد، دیگر به سخن حق گرایش پیدا نمی‌کند و خود را به سرگرمی‌های دنیوی و زودگذر سرگرم می‌نماید. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «الْغِنَاءُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي كَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ: مجلس غناء و خوانندگی مجلسی است که خداوند به اهل آن نمی‌نگرد و آنان را مشمول لطف خود قرار نمی‌دهد و این مصداق همان آیه‌ای است که خداوند عز و جل فرمود: بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده را خریداری می‌کنند تا مردم را از راه خدا گمراه کنند» (همان، ج ۴: ۱۹۵).

آثار شوم دیگری نیز در احادیث برای غنا بیان شده است؛ مانند پیدایی نفاق در دلها، رفتن خیر و برکت از خانه، قبول نشدن دعا، بی‌تفاوت شدن نسبت به ناموس، دور بودن اعضاء خانواده از رحمت الهی و... این نوع موسیقی به جهت تضعیف بنیان‌های دینی و ارزشی رواج یافته و خسارات و ناهنجاری‌های اجتماعی جبران‌ناپذیری را همچون تجاوز به عنف، آدم‌کشی، کوتاهی عمر و... به دنبال دارد. آنچه که غرب نیز به دنبال آن می‌گردد، همین است که جوانان را از حالت معنوی و خلوص خود خارج، روح آنان را به گناه آلوده و در نهایت، روحیهٔ پوچ‌گرایی را در آنان ایجاد کند. هنگامی که قشر جوان یک جامعه از کار بیفتد، به اصطلاح دیگر موتور محرکهٔ جامعه از کار می‌افتد.

پوشش و رواج فساد و فحشاء

یکی از بارزترین مصادیق آسیب‌های رسانه‌های غربی و ماهواره‌ها، به جوامع اسلامی، مسئله حجاب است، چراکه حجاب در میان مسلمانان از اهمیّت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و یکی از اصلی‌ترین ارزش‌های یک مسلمان به شمار می‌آید. از آنجا که غرب و رسانه‌های آن بر این مسئله وفاق دارند، یکی از راه‌های نفوذ خود را ترویج بی‌حجابی، بی‌حیایی، فساد و فحشاء قرار داده‌است. خداوند متعال در قرآن کریم در مورد پوشش و لزوم حجاب می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ ای پیامبر! ای پیامبر! به همسران و دخترانت و نیز زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها [= روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند)؛ خداوند همواره آمرزنده رحیم است ﴿(الأحزاب/۵۹)﴾. در آیه دیگری در مورد حرمت نگاه به نامحرم و رعایت حدود محرم و نامحرم می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنْ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُهُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! * و به زنان با ایمان بگو که چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا

برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [=کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید! ﴿النور/۳۱-۳۰﴾.

با دقت در آیات بالا درمی‌یابیم که خداوند متعال هدف از حجاب را دستیابی به تزکیه نفس، طهارت، حیا، عفت و پاکدامنی معرفی فرموده است. تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای به دلیل پوشش غیراخلاقی و ضد اسلامی بازیگران، مجریان و خوانندگان حاضر در برنامه‌های مختلف آن، موجب از بین رفتن حیا، عفت و پاکدامنی می‌شود و قطعاً بی‌اعتنایی به رعایت حد و مرز در روابط اجتماعی بین محرم و نامحرم را به دنبال دارد. حال چگونه می‌توان از شخصی که در معرض این هجمه ماهواره‌ای قرار گرفته، رعایت حریم محرم و نامحرم را در محیط‌های اجتماعی جامعه که متشکل از افراد مختلف است، انتظار داشت؟ آیا خانواده‌ای که این شخص پدر، مادر، یا فرزند آن است، تحت تأثیر منفی او قرار نمی‌گیرد؟ آیا این خانواده پس از آسیب‌پذیری در برابر این هجمه، توان و استحکام قبل را دارد؟!

تاریخ مکتوب انسانی مدنی بر این واقعیت گواه است که همزمان با آغاز زندگی اجتماعی زن در قالب خانواده، خویشاوندان و جامعه، مفاهیم محرم و نامحرم و گونه‌ای از حریم‌گیری و محدودیت، به عنوان معیار بایدها و نبایدها در برقراری روابط جنسی، شکل معاشرت، چگونگی تماس گفتاری و پوشش بدنی مطرح بوده است و جلوه حجاب، حیا و عفاف او به حساب می‌آمده است. یکی از نمادهای حیا و عفاف، نماد پوشش و لباس است و پابندی به آن برای زنان کمال و حراست از آن برای مردان، یک افتخار و شرافت به حساب می‌آید (ر.ک؛ حداد عادل، ۱۳۷۰: ۲۸).

محیط خانواده به عنوان مأمّن تربیت فرزندان، باید بّری از هر گونه آلودگی باشد و خطرات تهدیدکننده آن شناسایی و در راستای رفع آن تلاش شود. بدیهی است زمانی که برهنگی، فحشاء و تشویق زنان، دختران، مردان و پسران به بی‌بندوباری جنسی تبلیغ و تشویق شود،

حیات انسانی به خطر می‌افتد و خصوصیت‌های انسانی نابود می‌شود و به دنبال آن، انسان و انسانیت هم از بین می‌رود. از آنجا که اسلام حامی انسان است و تمام ابعاد وجودی او را در نظر دارد، او را متوجه خود ساخته است و از پیروی شیطان نهی فرموده است و راهکارهای درستی مانند «ازدواج» را برایش قرار داده که هم باعث تداوم نسل طیبه است و هم سلامتی روحی و روانی او را تضمین می‌کند (ر.ک؛ پیرانی، ۱۳۸۷: ۷۸). پیامبر اسلام (ص) نیز درباره اهمیت خانواده می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ: هَيْجَ بِنَائِي فِي الْإِسْلَامِ نَزْدَ خِدَاوَنَدِ مَحْبُوبٍ تَرٍ وَ عَزِيزٍ تَرٍ مِنْ اَزْدَوَاجِ نَيْسَتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۲۲).

رواج فساد و فحشاء یکی از مظاهر بارز انحطاط فرهنگی به شمار می‌آید. از این رو، قرآن کریم به آن توجه ویژه‌ای مبذول داشته است و به دلیل جنبه‌های ویرانگری که فساد در جامعه دارد، به بیان پیامدهای آن می‌پردازد. نقش تربیتی و فرهنگی پوشش و لباس بر انسان و اجتماع برای کسی پوشیده نیست. رابطه لباس و فرهنگ به اندازه‌ای قوی است که گویی انسان‌ها با لباس خود با یکدیگر صحبت می‌کنند و هر کس با زبان لباس خویش خود را معرفی می‌نماید. اینکه کیست و از کجا آمده است و به چه دنیا و فرهنگی تعلق دارد. حتی در قرآن کریم خداوند متعال زن و شوهر را لباس یکدیگر می‌داند: «...هِنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ: اَنَّهُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ» (البقره/۱۸۷). لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست؛ پرچمی که او بر سر خانه خود نصب کرده است و با آن اعلام می‌دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند. در احادیث آمده که «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ: هَر كِه خُود رَا بِه گُروهی شَبِیه سازد از آن گروه است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۱۷۴).

روابط آزاد و تهدید خانواده‌ها

خانواده که هسته مرکزی جامعه تلقی می‌شود، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا نه تنها بستر تربیت فرزندان و محل شکل‌گیری شخصیت آنان است، بلکه مبین الگویی مناسب برای تشکیل خانواده آینده‌شان محسوب می‌شود. قرآن کریم نیز در آیات متعددی زن

و شوهر صالح را ستوده است و زندگی زناشویی را مایهٔ آرامش مرد و زن قلمداد می‌نماید؛ به عنوان نمونه: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! ﴿(الروم/۲۱).

نگاه محبت‌آمیز زن و شوهر به یکدیگر، سبب نگاه رحمت‌آمیز الهی است. این محبت بی‌بدیل والدین نسبت به یکدیگر، هم باعث ایجاد آرامش و دلگرمی برای فرزندان می‌شود و هم زن و شوهر را در قبال یکدیگر متعهدتر و مسئولیت‌پذیرتر می‌کند. ماهواره به عنوان یکی از رسانه‌های غربی، در صدد از هم پاشیدن کانون پُر مهر و محبت خانواده است و از هیچ راهی برای وارد کردن نیش زهرآلود خود، مضایقه نکرده است و آثار خطرناکی را برای خانواده به همراه دارد. مهم‌تر از همه اینکه سبب بی‌تعهد شدن زوجین نسبت به یکدیگر می‌شود و با دیدن فیلم‌ها و روابط آزاد زن و مرد نامحرم با هم، کم‌کم قبح این عمل شنیع و کاملاً ضد ارزشی برایشان ریخته، حتی نسبت به یکدیگر مشکوک می‌شوند. از سوی دیگر، فرزندان با دیدن شخصیت‌های بی‌قید و بند ماهواره‌ای و الگوگیری از پدر و مادری که خود گرفتار آلودگی شده‌اند، در روابط خویش در محیط بیرون خانواده با نامحرم، بدون در نظر گرفتن محدودیت عمل می‌کنند و نسبت به داشتن روابط درون‌خانوادگی نیز بی‌میل و رغبت می‌شوند. این در حالی است که روزه‌روز گزارش‌های فراوانی مبنی بر مخرب بودن این آنتن شیطانی به سمع و نظر ما می‌رسد. جهان غرب با ساخت هزاران فیلم ضد اخلاقی و منافی عفت و نیز تکثیر آن به صورت لوح فشرده یا گذاشتن بر روی اینترنت یا پخش آنها در شبکه‌های ماهواره‌ای به شدت دین و ایمان و اعتقاد مسلمانان را نشانه گرفته است و همان کاری را که در اعصار گذشته در اندلس انجام دادند، امروزه به شکل بسیار عمیق‌تر و حساب شده‌تری اجرا می‌کنند. از طرف دیگر، ترویج فمینیسم از دیگر آفاتی است که مستقیماً کانون گرم خانواده را متزلزل می‌کند. این دیدگاه‌ها که با مفاهیم «آزادی زنان» یا «برابری زنان و مردان» مطرح می‌شود، تبلیغی وسیع برای بی‌بندوباری جامعه، روابط جنسی آزاد و ظاهر

شدن زنان در جامعه مانند مردان به حساب می‌آید، حال آنکه اسلام ناب محمدی، آزادی را برای هر انسان و برابری را ویژگی فطری عموم بشر، اعم از زن و مرد، می‌داند و با تعریف عدالت اسلامی، شرایط و مقتضیات زن و مرد را در هر موضوع، در نظر می‌گیرد. این استفاده از زن، منجر به از هم پاشیدن بسیاری از روابط اصیل خانوادگی، از بین رفتن قابلیت ربوبیت زن و عواطف مادری، نادیده گرفتن ظرافت زن و قوای جسمی او، عادی شدن سقط جنین و کم‌رنگ شدن اهمیت نسل پاک به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌ها در نهاد خانواده می‌شود (ر.ک؛ تقی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۸۰-۱۷۰).

جوامع غربی همواره سعی در دامن زدن به مسائل مربوط به زنان و خدشه‌دار کردن حیثیت اجتماعی آنان داشته‌اند. آنها به دلیل اعتزال از بینش دینی، ظاهرینانه تفکر دینی را عامل دور ماندن زنان از حقوق خود و به نوعی ظلم به آنها می‌دانند. بسیاری از مویه‌کنندگان بر آزادی و برابری زنان، به تبع فرهنگ غربی، برای زنان شأن مردان را قائل شده‌اند و از آن با عنوان برابری زن و مرد، سخن می‌گویند، درحالی که در حقیقت، با این کار همه آنچه را که از مردان ساخته است، از زنان می‌طلبند و با در نظر نگرفتن شرایط و مقتضیات ویژه جسمانی، نفسانی و عاطفی زن بزرگترین ظلم را بر آنها روا می‌دارند. در مثل چنان است که انسان بی توجهی بخواهد بگوید: «پرتقال در عین پرتقال بودن طعم و مزه سیب بدهد یا رنگ و بوی سیب را داشته باشد!» (شفیعی سروسناتی، ۱۳۹۰: ۷۹).

مستر همفر جاسوس انگلیسی (بریتانیایی) در خاطرات خود، به کتاب هزار صفحه‌ای اشاره می‌نماید که در آن از راهکارهایی برای گسترش نقاط ضعف مسلمانان سخن به میان آمده است. یکی از این راهکارها به بحث اخیر ما ارتباط دارد. او می‌نویسد: «می‌توانیم بین مسلمانان این مسئله را رواج دهیم که «اسلام زن را تحقیر می‌کند و با ذکر جملاتی از قرآن و حدیث، راستی ادعای خود را تأکید نماییم؛ مثلاً بگوییم: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...﴾: مردان، سرپرست و نگهبان زنانند...» (النساء/۳۴). این مسئله می‌رساند که آنها می‌خواهند تلقین کنند که زنان توانایی مراقبت از خود را ندارند» (ر.ک؛ خاطرات مستر همفری جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

اگر با نگاهی عمیق وضع خانواده‌هایی را که متلاشی شده‌اند، مورد مطالعه قرار دهیم، به آسانی درمی‌یابیم که مهم‌ترین عامل آن ضعف اصول اخلاقی طرفین یا یکی از آن‌دو است. حال این والدین هستند که باید مبانی اخلاقی را به فرزندان خود انتقال دهند و آنها را برای زندگی آینده تعلیم و تربیت نمایند. در جراید می‌خوانیم که بسیاری از نامه‌های شکایت‌آمیز از وضع زندگی زناشویی، از جانب کسانی است که زندگی پدر و مادر خود را به عنوان نمونه مطرح کرده‌اند. بنابراین، خانواده بستر تشکیل شخصیت فرزندان است و هستهٔ مرکزی جوامع آینده خواهد بود، لذا والدین باید در تعلیم و تبیین روابط محرم و نامحرم به فرزندان خود دقت لازم را مبذول دارند (ر.ک؛ حقانی زنجانی، ۱۳۶۶: ۸۷). بدین ترتیب خود را مدعی دفاع از حقوق زنان می‌دانند، در حالی که بزرگترین آسیب را به زنان و به تبع آن، به خانواده، یعنی بستر اجتماع، وارد می‌آورند.

تجدد و مُدگرایی

از آنجا که انسان ذاتاً حسّ تنوع‌طلبی دارد، همواره نسبت به مُد و تجددگرایی تمایل نشان داده است و این پدیده که بیشتر در قشر جوان جامعه دیده می‌شود، حاکی از حسّ «نوجویی» و «امروزی» شدن آنان است و یک پدیدهٔ طبیعی در جهت ارضای این نیازها محسوب می‌شود. البته امامان معصوم^(ع) به امر زیبایی و تجمل در (حدّ معمول) توصیه می‌فرمودند، به عنوان نمونه امام صادق^(ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ؛ همانا خداوند زیبایی و تجمل را دوست دارد و از فقر و فقرنمایی خوشش نمی‌آید» (کلینی، ۱۳۸۵ ق، ج ۶: ۴۴۰).

پیامبر اکرم^(ص) نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أُنْعِمَ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ؛ همانا وقتی خداوند نعمتی به بنده‌ای داد، دوست دارد اثر نعمت خود را بر او ببیند» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۸۳ ق: ۵۳). این، جنبهٔ مثبت و معمول تجمل‌گرایی است که خداوند و ائمهٔ اطهار^(ع) بر آن تأکید کرده‌اند. اما مشکل جایی پدید می‌آید که رسانه‌های غربی، به‌ویژه ماهواره، از این حسّ فطری سوء استفاده کرده، به دنبال مُدگرایی، القاء شیوه‌های رفتاری - هنجاری و ارزش‌های خاص در میان جوانان و نوجوانان یا حتی میانسالان می‌پردازد. هرگاه سخن از

مُدگرایی به میان می‌آید، مفهوم غرب‌گرایی نیز به ذهن می‌رسد؛ زیرا پس از رشد تکنولوژی در اروپا سنت‌ها مورد انتقاد قرار گرفت و جامعه به تدریج، اندیشه‌ها، سبک زندگی و نوع لباس را تغییر داد و در حال حاضر نیز بیشترین مدهایی که در جامعه و به‌ویژه در میان جوانان رایج می‌شود، برگرفته از الگوهای غربی است. متأسفانه پدیده مُدگرایی باعث به وجود آمدن انگیزه‌های رقابتی و چشم و هم‌چشمی شده است و از آنجا که این رقابت‌ها جهت‌گیری منفی دارد، نه تنها باعث پیشرفت نیست، بلکه زمین‌سازِ پسرفت و بی‌ارادگی ملت‌هاست. پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با تفاخر و برتری‌جویی ظاهری در سطح جامعه می‌فرماید: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا فَأَخْتَالَ فِيهِ خَسِيفَ اللَّهِ بِهِ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ وَ كَانَ قَرِينًا قَارُونََ: هر کس جامه‌ای بپوشد و در آن اظهار بزرگی کند، خداوند به وسیله آن او را از لب دوزخ فرو می‌کشد و او همراه قارون خواهد بود» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۹۵). این روایات، افرادی را در بر می‌گیرد که به انگیزه تفاخر یا تجمل‌چنین کنند.

قرآن کریم دنیا را به عنوان لَهَب و لعب و متاع غرور معرفی می‌کند. با این مسئله، به زیبایی ارزش دنیا را معرفی کرده است و مخاطبان را به پرهیز از تفاخر، چشم و هم‌چشمی و تجمل‌گرایی ترغیب می‌نماید و می‌فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وِزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ: بدانید که زندگی دنیا تنها بازی، سرگرمی، تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصول خود کشاورزان را در شگفتی فرومی‌برد، سپس خشک می‌شود، به‌گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی و آنگاه تبدیل به کاه می‌شود و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی، و (به هر حال)، زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!﴾ (الحدید/۲۰).

تجمل‌گرایی در میل درونی انسان به اندوختن مال و زینت‌های مادی ریشه دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنِ سَبِيْلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ اَمْوَالِيْهِمْ...: موسی (ع) گفت: پروردگارا! تو به فرعون و اطرافیان او زینت و اموال (سرشار) در زندگی دنیا داده‌ای. پروردگارا! در نتیجه (بندگانت را) از راه تو گمراه می‌سازند! پروردگارا! اموال‌شان را نابود کن! ﴿یونس/۸۸﴾. خداوند کریم در جای دیگر دربارهٔ زیاده‌طلبی قوم موسی (ع) می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَآؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكِ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویانند، از سبزیجات، خیار، سیر، عدس و پیازش برای ما فراهم سازد. موسی گفت: آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست؛ و (مهر) دلت و نیاز بر پیشانی آنها زده شد و باز گرفتار خشم خدایی شدند، چراکه آنان نسبت به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند ﴿البقره/۶۱﴾.

اگر انسان به دنیا وابسته شود، به تجملات روی می‌آورد، از عدالت گریخته، حتی حقوق دیگران را محترم نمی‌شمارد. در این هنگام، غرور بر او حاکم شده، نمی‌تواند کس یا چیز دیگری را ببذیرد. در نتیجه، برای وصول به اهداف مادی خود قدرتمندانه با آن مقابله می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم‌دهنده نفرستادیم، مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: ما به آنچه فرستاده شده‌اید، کافریم! ﴿سبأ/۲۴﴾. «مترف» کسی است که فزونی نعمت و زندگی سرشار از رفاه، او را مست دنیا ساخته است و در نهایت، او را مغرور و غافل کرده، به طغیان‌گری واداشته است.

مترفان نخستین مخالفان پیامبران الهی بودند، چراکه رسالت پیامبران با اهداف کام‌جویانه و هوس‌گرایانه آنان در تضاد بود. پیامبران مدافع محرومانی بودند که مترفان با غصب حقوق آنان، این زندگی پُر زرق و برق و تجملاتی را برای خود فراهم کرده بودند و برای حفظ مال و ثروت ناحق خود، از اختیارات حکومت سوء استفاده می‌کردند.

از آنجا که انسان تجمل‌گرا به حق خود قانع نیست، سعی می‌کند از هر راهی که می‌تواند، زندگی تجملی را ادامه دهد و زندگی تجمل‌گرایانه جز مجالس تشریفاتی و توأم با گناهان بزرگ، اختلاط بین زن و مرد، بدحجابی، بی‌حیایی و فساد اخلاقی نیست. بنابراین، لازمه تجمل، گناهانی نظیر حق‌الناس است. در این شرایط، ملت تجمل‌گرا مستحق عذاب و نابودی می‌شود. قرآن کریم نابودی ملت‌ها را تجمل‌گرایی مترفان آنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا: و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا بیان می‌داریم. سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت در هم می‌کوبیم﴾ (الإسراء/۱۶).

عاقبت تجمل‌پرستی، دوزخ و عذاب الهی است. خداوند سرنوشت مترفین را که نمونه بارز تجمل‌گرایان‌اند، اینگونه بیان می‌کند: ﴿وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ * وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ * لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ * إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ: و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می‌شود) آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند * و در سایه دوده‌های متراکم و آتشزا! * سایه‌ای که نه خنک است و نه آرامبخش! * آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند﴾ (الواقعه/ ۴۵-۴۱).

جوامع غربی با اشاعه مدهای متعدّد که از آشنایی آنها با مبانی روانشناختی «تأثیرگذاری» سرچشمه می‌گیرد، سعی در همسو کردن ظاهر و پس از آن، باطن جوانان هستند و از این طریق، به راحتی می‌توانند تمام اقشار جامعه را با خود همراه کنند. جوانان ملت‌ها با دیدن خوانندگان یا هنرپیشگان، به بهانه «مد»، از موسیقی آنان، پوشش آنان و روابط آزاد و بی‌قید

و بند آنان، گوی سبقت را در یکرنگ شدن با آنان از یکدیگر می‌ربایند، در حالی که اینها همگی بستر انحطاط اخلاقی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها را فراهم آورده است و نوعی از خودبیگانگی و تقلید از فرهنگ غربی را القاء می‌کند (لقمانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

مهم‌ترین هدف سلطه فرهنگی، تغییر رفتار و شیوه زندگی ملت‌ها و تطبیق آنها با الگوهای مورد نظر صاحبان جهانی قدرت است و انحصار تبلیغاتی، ابزار اصلی این هجوم فرهنگی است. از حدود چهارده قرن پیش، تلاش برای تغییر شیوه زندگی در کشورهای جهان سوم، مهم‌ترین دستور کار آژانس‌های تبلیغاتی غرب است.

ترویج علاقه به هم‌جنس

امروزه همجنس‌گرایی به عنوان قانونی کشوری در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی درآمده است و از آن به عنوان حق ذاتی افراد یاد می‌کنند، حتی جوامعی مثل ایران را که به خاطر پیروی از دین شریف اسلام این عمل را جایز نمی‌دانند، بلکه به حرمت آن با دیدی شدید می‌نگرند، ناقض حقوق بشر تلقی می‌کنند. رسانه‌های این کشورها در صددند با عادی نشان دادن این عمل، به تبلیغ و ترویج آن پردازند. از این رو، فیلم‌های گوناگونی را می‌سازند و در رسانه‌های تصویری مانند ماهواره به نمایش درمی‌آورند، به گونه‌ای که این عمل را در راستای تخریب کشورهای اسلامی مانند ایران انجام می‌دهند. قرآن کریم برای هر چیزی قانون زوجیت را بیان کرده است و از همان آغاز خلقت، انسان را در دو جنس معرفی می‌نماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِجَالًا ثُنَيْنِ يُمْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ و اوست که زمین را گسترد و در آن کوه‌ها و نه‌هایی قرار داد، و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید، (و پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند. در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! ﴿الرعد/۳﴾: ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا رِجَالًا لِّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید! ﴿الذَّارِيَاتِ/۴۹﴾ و ﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ

وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ: منزّه است آن که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند! ﴿(یس/۳۶).

هدف از آفرینش زوج، تناسل، تکامل و شکوفایی بوده است و در هیچ جای قرآن عنوانی یافت نمی‌شود که علاقه به هم‌جنس را ممدوح بداند، بلکه آیاتی که به این موضوع اشاره دارند، آن را عملی مذموم می‌شمارند؛ مثلاً قرآن درباره قوم لوط که مبتلا به این عارضه بودند، می‌فرماید: ﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ * إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ: و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! * آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید نه زنان؟! شما گروه اسراف‌کار (و منحرفی) هستید! ﴿(الأعراف/۸۱-۸۰) و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ: آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلس خود اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! اما پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور! ﴿(العنکبوت/۲۹).

امام رضا^(ع) در بیان علت تحریم لواط می‌فرماید: ﴿وَعِلَّةُ تَحْرِيمِ الذُّكْرَانِ لِلذُّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ لِمَا رُكِبَ فِي الْإِنَاثِ وَ مَا طُبِعَ عَلَيْهِ الذُّكْرَانُ وَ لِمَا فِي إِثْبَانِ الذُّكْرَانِ لِلذُّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ مِنْ انْقِطَاعِ النَّسْلِ وَ فَسَادِ التَّدْبِيرِ وَ خَرَابِ الدُّنْيَا: فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده است و به خاطر این است که اگر مردان و زنان هم‌جنس‌گرا شوند، نسل بشر قطع می‌گردد و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می‌گراید و دنیا به ویرانی می‌کشد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۳۱).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که یاد شد، رسانه‌های ارتباط جمعی نوین می‌تواند چاقویی باشد که از سویی مفید و از سویی مضر است. گذاشتن تأثیر بر فکر و اندیشه ملت‌ها که بخش عمده‌اش به عهده رسانه است، گاه به سود آن ملت و گاه به ضرر آن است. حال در برابر دین اسلام که نجات‌بخش دنیا و آخرت بشر است، تفکر غرب با استفاده سوء از رسانه‌هایی چون ماهواره، تمام‌قد ایستاده تا پی‌درپی ضربه‌های ویران‌گر خود را بر اسلام وارد کند و اهداف استعماری خود را تحمیل سازد، به این خیال که سرور و آقای جهان شود، اما فکر اینجا را نکرده است که اسلام بزرگ، به عنوان آخرین دین الهی، نخواهد گذاشت دسیسه‌های شیطانی منجر به نتیجه دلخواه غرب که تراج اعتقادات الهی است، گردد. غلبه بر هجوم فرهنگی غرب با تمسک به قرآن کریم که کلام‌الله است و با عنایت به احادیث معصومین^(ع) که باز کلام الهی است (ر.ک؛ النجم/۴-۳)، به سادگی امکان‌پذیر است. شاید بتوان فهمید ریسمان تمسک به اسلام و نجات از خسارت‌های دنیوی مانند خسارت‌هایی که غرب از طریق ماهواره وارد می‌سازد، «ایمان به خدا» و «انجام عمل نیکو» و نیز سفارش به آن دو است، چراکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (لعصر/۳-۲). اما این ریسمان با استقامت در راه خدا، در برابر ناملایمات است که «عروة الوثقی» می‌شود؛ زیرا نزول بشارت فرشتگان خداوند به بهشت موعود، نصیب افرادی می‌شود که گفتند «الله» و در مسیرش ایستادند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت/۳۰).

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن شعبه خُرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۳ق.). *تُخَفُّ الْعُقُولُ*. قم: دار الحدیث.
- پیرانی، احمد. (۱۳۸۷). *فحشاء و فساد، ارمغان سرمایه‌داری غرب*. تهران: به‌آفرین.
- تقی‌پور، حسین. (۱۳۸۸). *راهکارهای قرآنی تقابل با ناتوی فرهنگی*. بی‌جا: آثار امین.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق.). *عُرُرُ الْحِکْمِ وَ دُرَرُ الْکَلِمِ*. قم: دار الکتب الإسلامی.
- جوهری‌زاده، سید محمدرضا. (بی‌تا). *موسیقی از نظر دین و دانش*. تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۷۰). *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*. تهران: سروش.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البتیت^(ع).
- حقانی زنجانی، حسین. (۱۳۶۶). *طلاق یا فاجعه انحلال خانواده‌ها*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. تصحیح هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.
- خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی*. (۱۳۶۹). ترجمه علی کاظمی. قم: کانون نشر اندیشه‌های اسلامی.
- دزفولی، حسین. (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی معرفت و معیشت دینی». *کتاب نقد*. شماره ۴۰. صص ۱۵۳-۱۸۰.
- دهبندی بالادهی، رمضانعلی. (۱۳۸۹). «ویژگی‌های انحطاط فرهنگی در قرآن». *بینات*. شماره ۶۷. صص ۲۵-۳۹.
- ستیز و تهاجم فرهنگی غرب*. (۱۳۷۵). تهران: نشر رامین.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل. (۱۳۹۰). *ولنگاری فرهنگی*. تهران: هلال.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق.). *مکارم الأخلاق*. قم: انتشارات شریف رضی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۵ق.). *اصول کافی*. تهران: مکتبه علمیه اسلامیّه.
- لقمانی، احمد. (۱۳۹۰). *چگونگی ارتباط دختران و پسران*. قم: انتشارات بهشت بینش.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱). *تهاجم فرهنگی*. قم: مؤسسه امام خمینی^(ره).
 موسوی خمینی^(ره)، سید روح الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام خمینی^(ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار
 امام خمینی^(ره).

